

مروار

هم‌زمان با بازگشایی موزه هنرهای معاصر تهران

۷۰۵ اثر هنری ارزشمند به این مجموعه اهدا شد

● موزه هنرهای معاصر تهران با برگزاری نمایشگاه ارمغان و عکس مفهومی، عصر پنجشنبه ۹ بهمن بازگشایی شد.

احسان آقایی در مراسم بازگشایی موزه هنرهای معاصر تهران گفت: «موزه هنرهای معاصر تهران به‌عنوان مهم‌ترین مرکز هنری ایران، علاقه‌مندان زیادی در ایران و کشورهای خارجی دارد و این تعطیلی باعث نگرانی و چشم‌انتظاری عده زیادی شده بود. حال موجب خرسندی است که موزه پس از یک مرمت سنگین، در حالی بازگشایی می‌شود که در شیه‌ترین حالت خود نسبت به طراحی اولیه قرار دارد؛ به این معنا که تغییرات از الحاقاتی در طی سال‌ها به مجموعه اضافه شده بود و فراتر از طراحی نخستین موزه بود. هم‌اکنون حذف شده است.»

آقایی ادامه داد: «در طول مرمت موزه، مطالعات پژوهشی و آرشویی گسترده‌ای درباره گنجینه موزه انجام شده است که حاصل آنها به‌زودی در شش کتاب ارائه خواهد شد. همچنین برنامه‌های متنوعی برای نمایشگاه‌ها و رخداد‌های دیگر تدارک دیده شده است که در آینده اطلاع‌رسانی خواهد شد. جا دارد از همه معاونان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مدیران مرکز هنرهای تجسمی و مدیران موزه هنرهای معاصر تهران در طول سال‌های گذشته که دغدغه این موزه را داشتند، تشکر کنم.»

رئیس موزه هنرهای معاصر تهران افزود: «مجموعه‌ای شامل ۷۰۵ اثر ارزشمند از هنر معاصر ایران ازسوی دکتر جمشید ناصری و همسر فقیدشان، منیژه میرعمادی، به موزه هنرهای معاصر تهران اهدا شده است که بخشی از این آثار در موزه به نمایش درمی‌آید. بنا بر این است که آثار این مجموعه در میان موزه‌های هنرهای معاصر شهرهای مختلف کشور تقسیم شود و در معرض دید علاقه‌مندان قرار گیرد تا مخاطبان خارج از تهران نیز امکان بهره‌بردن از آثار هنری را داشته باشند.»

پس از آن تکثیر هنرهای مجموعه‌ای که به موزه هنرهای معاصر تهران اهدا شده است، گفت: این مجموعه در ۳۴ سال زندگی مشترک ما گردآوری شد و خانه ما شبیه یک موزه کوچک بود. وقتی برای خرید آثار به آتلیه هنرمندان می‌رفتم، معمولاً چند تابلو را با هم می‌خریدیم و حتی خود هنرمندان تعجب می‌کردند که خانم میرعمادی چقدر از آنها حمایت می‌کند.

در ادامه این مراسم بهرام کلهرنیا، نماینده هنرمندان در شورایی نظارت بر مرمت موزه، گفت: از جانب جامعه تجسمی به من نمایندگی داده شد که در روند مرمت موزه حضور داشته باشم و در این زمینه اطلاعاتی کسب کنم. مرمت موزه اتفاق پیچیده‌ای بود و جامعه هنری نیز جامعه بسیار حساسی است که همیشه احساس می‌کند مقداری از حقایق از چشم عمووم دور می‌ماند. من نیز با همین دغدغه در کنار دوستان قرار گرفتم تا بدانم چه اتفاقی قرار است بیفتد.

کلهرنیا افزود: از ابتدای جلسات عده زیادی در کنار هم می‌نشستند تا درباره مسائل مختلف تصمیم‌گیری کنند. موضوع مرمت اساسی موزه در سال‌های گذشته بارها مطرح شده بود، اما هیچ‌وقت عملی نشده بود؛ تا اینکه سرانجام این اتفاق رخ داد و زمانی که کلنگ مرمت بر زمین خورد، بر همه ما آشکار شد این کار بسیار فراتر از آن چیزی است که تصور می‌شد.

ایسن هنرمند افزود: در تمام این مدت دوستان هنرمند که نگران بودند، از من گزارش می‌خواستند و من آنها را دعوت به صبوری می‌کردم. موضوع مرمت موزه اهمیت زیادی برای همه دست‌اندرکاران داشت و با حساسیت بسیار زیاد عمل کردند تا سرانجام این ساختمان بماند، در مان شد و تغییرات مهمی در سیستم تهویه، مکان گنجینه و… انجام گرفت. جمعیت هنرمند با حساسیت و دغدغه به این بازسازی می‌اندیشند، اما من به آنها اطلاع می‌دهم که با مرمت انجام‌شده، ایسن موزه زنده و باقی است و تا سال‌ها مشغول کار خواهد بود.

پس از آن سیدمجتبی حسینی، معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز سخنرانی کرد و گفت: «استقرار و استحکام این بنا امری اجتناب‌ناپذیر بود که باید به آن می‌پرداختیم؛ بنابراین راه بسیار دشواری را برگزیدیم و ایسن کار با همیاری تمام بخش‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به‌ویژه وزیر محترم و همکارانم در بخش‌های مختلف، آغاز شد. در طول ۳۲ تا تعمیرات، فعالیت‌های نظری تعطیل نشد، بلکه در میان فعالیت‌های تیم فنی و مهندسی در میان خاک و غبار، همکاران موزه به ساماندهی اسناد، ایجاد بانک اطلاعاتی آثار و… مشغول بودند. امروز موزه هنرهای معاصر در آستانه قرن تازه نو، با همان شکل و هیئتی که در ابتدا بود، فعالیت خود را آغاز می‌کند و تغییرات فراوانی که در آن انجام شده، به دلیل ظرافت‌ها و دقتی که وجود داشته است، به چشم نمی‌آید.»

حسینی درباره اهدای یک مجموعه شخصی به این کار نشان داد چگونگی مجموعه‌داران گفت: «این کار نشان داد چگونه مجموعه‌داران می‌توانند فارغ از دغدغه سود و سودا گنجینه خود را در معرض دید علاقه‌مندان قرار دهند. این آثار نه‌تنها در تهران بلکه در شهرهای دیگر ایران و در موزه‌ها و مجموعه‌های شهرهای کشور در معرض دید علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.»

هنر

گفت‌وگو با عذرا عقیقی بخشایشی به مناسبت نمایشگاه تازه‌اش در «گالری هما»

نور با سیاهی معنا می‌یابد



عکس: موزه هنرمندی

نمی‌رسند. مهارتی را یاد می‌گیرند و می‌توانند شعر و جلیبا بنویسند و کتابت کنند، اما نوآوری در کارشان دیده نمی‌شود. من خودم زمانی که درجه ممتازم را از انجمن خوشنویسان گرفتم، رشته گرافیک خواندم. دوست داشتم بیان هنری را با مهارتی که با علم روز همخوان است، پیوند دهم. گرافیک خیلی در این زمینه به من کمک کرد. کارهایی هم که در نمایشگاهم دیدید، نقاشی نیستند، نگاهی گرافیکی به خط هستند. اصلا در عُرف بین‌الملل نقاشی خط اسم و جایگاهی ندارد، همه تحت عنوان هنر معاصر از این کارها یاد می‌کنند.

● به هنر جهانی اشاره کردید. می‌دانیم که پس از پایان جنگ جهانی و برقراری مجدد رابطه غرب با شرق (به‌ویژه ژاپن) مفاهیم کلیدی هنر – صنعت کالیگرافی از شرق به غرب منتقل شد و به‌نوعی شاهد استحاله اندام‌وار کالیگرافی شرقی در غرب در آثار هنرمندانی مانند پیر سلولاز بودیم. جالب اینجاست که امثال سلولاز مفاهیم درونی ارگانیکم خطای شرقی را درک و در کارهای خود زنده کردند و در واقع ایده انتزاعی‌ساختن آنچه عینی و واقعی است، در سراسر هنر اروپا و آمریکا تبدیل به نوعی همه‌گیری زبان شناختی و هنری شد. آیا با این تعبیر شهروز نظری موافق‌اید که رابطه عاطفی سیاه‌نگدی در نوشتن و حذف‌کردن را در کار امثال سلولاز، کلاین، استنلی و مادربول در هم گره زده‌اید؟

وقتی که آدم می‌بیند چقدر راحت می‌توان هیجان‌تان درون را با رنگ سیاه روی بوم آورد، چراکه نه؟ ولی اینکه کارهایی تقلید محض باشد، نه. درواقع من دنبال آشتی بین سنت ایرانی و هنر مدرن غرب هستم. این حرفی است که همه آن را در دنیا می‌فهمند. ما به بیانی رسیده‌ایم که دوست داریم همه آن را بفهمند. چرا فقط کار سنتی بکنم که ۸۰ میلیون نفر مخاطب یا باشند؟ من آن بیان را دوست دارم؛ ولی هیچ وقت نمی‌توانم با لهجه یک فرانسوی به فرانسه صحبت کنم. نهایتاً حرفم را به گونه‌ای می‌زنم که آن فرانسوی هم متوجه شود. در این حد تحت تأثیر بوده‌ام؛ ولی کارم کپی نبوده است.

● من البته واژه کپی را به کار نمی‌برم؛ اما در ارتباط با استادان معاصر نقاشی خط، شباهت‌هایی بین کار شما با استادانی مانند افجه‌ای، زنده‌رودی و احصایی دیده می‌شود. خودتان قائل به این شباهت‌ها هستید؟

این گریزناپذیر است که هر شاگردی به استاد خودش از لحاظ فکری نزدیک شود و رنگ‌بوی کار آن استاد در کارش دیده شود؛ ولی تا آنجایی که ممکن است، هرکس باید با بیان و لهجه خودش حرف بزند. من در این سال‌ها خیلی سعی کردم روش و خط شخصی خودم را دنبال کنم و یعنی‌ها چقدر موفق بوده‌ام. این را باید مخاطب بگوید؛ ولی خب بعضی‌ها می‌گویند وقتی کارت را می‌بینم، متوجه می‌شومیم کار توست. شاید ۱۰ سال پیش این اتفاق نمی‌افتاد؛ ولی بعد از ۱۰ سال فکر می‌کنم مسیری را رفته‌ام که شاخصه‌هایی در کارم فردی شده است. مربوط به خودم است. در هر حال شباهت، گریزناپذیر است؛ چراکه زبان کار و نوشتار کار، فارسی است؛ هرچند که خط من، خط کوفی است که خب استاد افجه‌ای که شما از ایشان نام بردید، هیچ‌گاه به کوفی ننوشته‌اند. شاید موارد انگشت‌شماری خط کوفی با رنگ روغن در طول این سال‌ها داشته‌اند. البته قطعا من کار این استادان را تحسین نمی‌کنم و به ایشان اقرین می‌گویم. همه ما توشه‌هایی را تا یک جایی از این بزرگان برگرفته‌ایم تا به اینجا رسیده‌ایم…

● با تأثیرپذیری از کلهر البته اشاره کردید…

به‌هرحال سواد و تجربه ما ذره‌ذره تکمیل می‌شود. پازلی را می‌ماند که با توشه‌هایی از هنر غرب و شرق کامل می‌شود؛ ولی نهایتاً هرکس آن حرف درونی خودش را می‌زند. من اگر بگویم هیچ اثری از احصایی یا برداشتی از افجه‌ای نداشته‌ام، حرف به قاعده‌ای نگفتم‌ام؛ بالاخره هرکسی که امروزه در هر هنری کار می‌کند و کارش را پیش می‌برد، به‌نوعی اگر مستقیم هم نه ولی شاگرد همه این بزرگان بوده است. این

استادان بودند که ستون‌های هنر ایرانی را روی هم گذاشتند تا ما امروز از آنها بهره ببریم، اما خب همیشه استاد افجه‌ای به من گفته که شما کارهای خودم را می‌زنید. من تا باشم. ما دنبال این بهترشدن هستیم؛ ولی نمی‌توانیم خودمان را از جریان نقاشی خط منفک کنیم، چون ادامه آن جریان هستیم؛ جریانی که از خیلی سال پیش با حرکت استادانی چون مافی و پیلارام و زنده‌رودی شروع شد و تا امروز این حرکت ادامه پیدا کرده. فکر می‌کنم هرکس بگوید تأثیری از این استادان نگرفته، حرف درستی نمی‌زند. تأثیر می‌گیریم؛ ولی نهایتاً دنبال این هستیم که سبک شخصی خودمان را داشته باشیم.

● نمایشگاه قبلی‌تان «سیا بر تاریک» (سال ۹۷ گالری هما) در امتداد سیاه‌مونیسی یا سیاه‌منق‌نویسی به‌عنوان ایرانی‌ترین رویکرد خوشنویسی بود. دلیل تکیه‌تان روی رنگ سیا چیست؟
سیاه به عقیده من یک رنگ نیست، یک مفهوم است. من خود از رنگ سیاه و شکو‌هی که سیاهی دارد، خیلی لذت می‌برم و واقعا به آن علاقه‌مندم. شاید آن سفیدی‌های ریزی که در سیاه‌منق‌هایم بود، نور را القا می‌کرد و اتفاقاً نور خود را جایی بیشتر نشان می‌دهد که

تاریکی‌ای باشد، وقتی همه‌جا روشنایی باشد، نور مفهومی ندارد؛ یا نیستی در مقابل هستی خودش را نشان می‌دهد. اینکه در آن سیاهی‌ها، نقطه‌های سفیدی بود، برایم جذابیت داشت. در ابتدا می‌خواستم اسم نور را روی مجموعه بگذارم ولی سیاهی‌ها کار خود را کرد! در همین مجموعه جدیدم با عنوان «خلاصه» این عدم و نیستی و مرگ برای من مفهومی بسیار مهم بود و سعی کردم انقلابی معنایی در کارم با این مفهوم اتفاق بیفتد اما نظری بر تخریب نداشتم. این مشق نوشتن‌ها آن قدر من را راضی می‌کند و درواقع گفت‌وگو‌هایی درونی است که برایم مقدس است؛ به‌گونه‌ای‌که آن را تا حد عبادت بالا می‌برم. نمی‌خواهم شعار بدهم ولی شدیداً به این حس وابسته‌ام.

● برخی منتقدان تفاوت بسیار اساسی قطعات شما را با خیل پرشمار کالیگرافی‌های این چند دهه، در همین پدیده آمدن آنها در بستر عقیده‌مندی مذهبی توصیف کرده و درواقع این گروه‌ها، اسپیرال‌ها و ژرف‌نمایی‌ها را اشاره‌ای راسخ به حقیقتی باطنی می‌دانند؛ باین‌حال بحثی هست در بین اهل فن که آیا خوشنویسی را مقدس بدانیم یا نه، کما اینکه عده‌ای مقدس خواندن این رشته را برنمی‌تابند…

قداست خوشنویسی از قداست کلمه و نوشتن می‌آید؛ آنجا که سوره قلم به قلم و آنچه می‌نویسد قسم یاد شده، یا جمله آغازین انجیل که «در آغاز کلمه بود و کلمه نزد خدا بود…» اشاراتی بر قداست کلمه است و خوشنویسی هم قداست خود را وامدار این مفاهیم است.

● اصلا دلیل انتخاب خط کوفی در کار شما چه بود؟

من در کارهایم به خط کوفی می‌نویسم؛ خطی که به اعتقاد برخی، خط قرآن است، درصورتی‌که این خط زمینه‌اش از خط پهلوی بوده است، یعنی ریشه‌ای ایرانی دارد. اینها مطالب مستندی است که آقای حسوری در کتابشان به آن اشاره کرده‌اند. این خط ایرانی بوده که در زمان پیامبر به حد کمال رسیده و تا قرن پنجم هم با آن می‌نوشته‌اند. سال ۱۳۷۰ موضوع پایان‌نامه‌ام را کوفی‌نگاری انتخاب کردم. از همان زمان ارزش‌های بصری این خط را خیلی قوی دیدم و واقعا صلابتی که در این خط است در خطوط دیگر نیست و البته سادگی آن، که فکر می‌کنم سادگی اندیشه را می‌رساند. درعین‌حال زوایای قانمه و خطوط موازی آن واجد ارزش بصری بالایی است. خط کوفی خیلی معمارانه است و من اصلا در این مجموعه از پس‌زمینه قرم‌های معمارانه استفاده کردم. خیلی سال پیش در نوجوانی، برای اولین‌بار خط قرآنی منتسب به امام حسن(ع) را در موزه آستان قدس رضوی دیدم. نمی‌توانم لذتی را که آن لحظه از آن خط بردم وصف کنم؛ به همین خاطر من گرافیک را خواندم و بعد به خط کوفی نوشتم. برخی دوستان که کارهای کوفی من را می‌بینند، می‌گویند فکر می‌کردیم کار یک مرد است. این خط کمتر زبانه نشان می‌دهد و ظرافت‌های زبانه را ندارد، باین‌حال خیلی این خط را می‌پندم.

● به رابطه زنان و هنر اشاره کردید. طبیعتاً شما یکی از موفق‌ترین و درعین‌حال از معدود زنان فعال در عرصه نقاشی خط هستید. فکر می‌کنید دلیل رغبت کمتر زنان به خوشنویسی چیست؟
زنان جسته‌وگریخته کارهایی کرده‌اند ولی ماندگاری‌شان در این حوزه کم بوده است.

● ما البته خوشنویسان زن بسیاری به‌خصوص در اقلامی همچون خط ناخنی، غبارنویسی و قطاعی داشته‌ایم؛ مثل فخر جهان، مریم‌بانو نانینی و علوه‌خاتون در دوره قاجار که کارشان نسبت به مردان هم‌دوره‌شان بسیار هم جسورانه بوده است…

همین‌طور است. در دوره قاجار دختران فعلتی‌شاه قاجار هم خطاطی می‌کردند. من در کتاب زنان خوشنویس به همه اینها پرداخته‌ام. ما زنان خوشنویس، زیاد داشته‌ایم؛ اما زنان از بابت مسئولیت‌های می‌شمار اجتماعی از جمله فرزندآوری و تربیت فرزندان در این ودی وابسته‌ایم.

● غیر از دلایل اجتماعی، سلطه سیاسی مردان بر این هنر هم دخیل بوده است؟

بله، این عوامل هم دخیل بوده. در خوشنویسی این نگاه مردسالارانه بوده است. البته این یکی از عوامل است. باین‌حال از نظر اجتماعی به خانم‌هایی که از انجمن خوشنویسان فارغ‌التحصیل می‌شوند، هیچ‌وقت آن جایگاه لازم داده نمی‌شود؛ یعنی ما فضا‌هایی را در اجتماع برای نشان‌دادن زنان خوشنویس نداریم. من برای نگارش کتاب «زنان خوشنویس» با بعضی از زنان خوشنویس مصاحبه کردم. برایشان عجیب بود که کسی سراسری از آنها گرفته است؛ می‌گفتند هیچ‌وقت فرصتی برایشان نبوده تا مهارت خود را به نمایش بگذارند یا نمایشگاهی برپا کنند و نهایتاً هم آن بازدهی لازم مالی را ندرند. همه اینها باعث می‌شود از این کار گران بکشیم؛ به هم هم این عزیزان می‌گویم شما باید آن قدر انگیزه و پشتکار قوی داشته باشید که بتوانید با تمام بی‌محلی‌ها و نیش‌وکنایه‌ها بمانید و ادامه دهید. باید بجنگید. از کودکی پدرم به من یاد داد که همیشه این روحیه جنگجویی را داشته باشم و بتوانم با موانع برخورد کنم. البته در این مسیر نمی‌توانم از نقش بی‌بدیل شریک زندگیم می‌تولم، همسرم آقای خوشبختی که خود هنرمند درده‌اشگاهی هستند. در طول این سال‌ها همراهی مشفقانه‌ای با من داشتند که انصافاً اگر حمایت ایشان نبود من هرگز نمی‌توانستم تا این حد در کارم متمرکز شوم.

● از جمله فعالیت‌های شما برگزاری کارگاه در کشورهای مختلف است. قدری درباره این کارگاه‌ها و شیوه تدریس خود بگویید…

این کارگاه‌ها فقط اجرای اثر با استفاده از خوشنویسی ایرانی است. وقتی مخاطبی که به فارسی می‌داند و نه عربی، خط ایرانی را می‌بیند، این خط برایش خیلی جذاب است.

● سال گذشته در سبته پاریس کارگاهی برگزار کردید؛ موضوع این کارگاه چه بود؟

با همین تکنیکی که خودم کار می‌کنم، اثری را درست کردم. در آنجا ابزار کار ما برای بازدیدکنندگان خارجی خیلی جذابیت دارد. مهارتی که در خلق اثر با استفاده از خط فارسی داریم، برای مخاطب خارجی خیلی جذاب است. ژانویه ۲۰۲۰ در فرانسه، هنرمندانی با ملیت‌های مختلف حاضر بودند و دیدن نوشتن با قلم نی برای آنها جذاب بود.

● از برنامه‌های آتی خود بگویید؟

من هر یک سال در میان آثارم را در معرض نمایش می‌گذارم، بعد از اتمام آن به فکر ایده نمایشگاه بعدی هستم؛ طبیعتاً دربی کاری متفاوتم، اما نه تنگ آن در مسیر کاری و سبک شخصی‌ام.

● البته برای هنرمندی که اصنا و کما و سبک شخصی قابل تمییز دارد،

نگرانی از افتادن در ورطه تکرار وجود دارد…

همین‌طور است. این نگرانی و دغدغه همیشه هست که حرف تکراری بزنم. باین‌حال نمایشگاه اخیرم که به‌زعم خودم حرکتی جسورانه در آن وجود داشت، دلگرم کرد و البته نگرانی ۱۰ سال پیش از قضاوت‌شدن را ندارم؛ چون حرکت‌هایی کوچک کرده‌ام که من را متقاعد می‌کند بالاتر از سیاهی رنگی نیست…

زیر درختان زیتون

نمایشگاه عکس‌های «رضا کیانیان» برپا می‌شود

● به گزارش «شرق»، نمایشگاه عکس «رضا کیانیان»، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون، با عنوان «او می‌رود دامن‌کشان» از ۱۷ تا ۲۸ بهمن در گالری اعتماد برگزار می‌شود. کیانیان پیش از این نیز با چندین نمایشگاه انفرادی و شرکت در نمایشگاه‌های متعدد گروهی، در حوزه عکس فعالیت داشته است. او اولین‌بار مجموعه‌ای از پوسته‌های درخت‌ها و سپس مجموعه‌ای از کلاغ‌ها را به نمایش گذاشته بود. این هنرمند همچنین در نمایشگاهی با عنوان «دچار آبی بیکران»، مرداب و کهکشان را به تماشا گذاشت. ۱۷ بازدید از نمایشگاه جدید این هنرمند تا تاریخ ۱۷ بهمن، هر روز به غیر از دوشنبه‌ها از ساعت ۱۲ تا ۲۰ فراهم شده است و تا ۲۸ بهمن ادامه خواهد داشت. کاری اعتماد در میدان هفت‌تیر، مفتح جنوبی، بن‌بست شیرویی، پلاک ۲۵ واقع شده است.

در آغاز سال نوای موسیقی ایران چه گذشت؟

● ششمین سال نوای موسیقی ایران با پیام احمد پژمان، رومانی از تمبرهای دو پیش‌کسوت موسیقی ایران ازسوی حسین علیزاده و اجرای چند برنامه در قالب یک رویداد مجازی آغاز شد. به گزارش «شرق»، به نقل از امور رسانه‌ای ششمین سال نوای موسیقی ایران، آیین افتتاحیه ششمین سال نوای موسیقی ایران به مدیریت هنری علی جعفری‌پویان و مدیریت اجرایی محمدمهدی کورنگی، مشارکت ۲۷ هنرمند و همراهی چند مؤسسه بخش خصوصی، شامگاه چهارشنبه هفتم بهمن آغاز شد. در ابتدای آیین افتتاحیه که در فضای مجازی و از طریق چندین پلتفرم پیش‌روی مخاطبان قرار گرفت، پیام احمد پژمان، موسیق‌دان ایرانی، ازسوی فریروز فرهنگمهر خوانده شد.

در متن پیام احمد پژمان آمده بود: «دوستان عزیز، همکاران مهربان و موسیقی‌دانان گرامی، بسیار خوشحالم‌که ششمین دوره سال نوای موسیقی ایران با همکاری و یاری شما در حال برگزاری است. به‌دست‌اندرکاران برگزاری این پروژه که همه از موسیقی‌دانان خوب کشور عزیزمان هستند، می‌ماند خسته‌نشدیم می‌گویم. تبریک‌هایم را در این ساله سخت که همه جهان درگیر شیوع بیماری است، برگزاری چنین مراسمی بیش از پیش با دشواری همراه بوده است. همچنین برای هنرمندانی که اسال در مقام هنری‌شان تجلیل می‌شود، تبریک فراوان دارم.

البته گفته می‌شود که در مراسم اسال به هنرمندان مهاجر و بیرون از ایران توجه ویژه‌ای شده است که موجب قدرانی است. بدون شک بخش بزرگی از فرهنگ و هنر ما مدیون هنرمندانی است که امروز در کشور به شکل فیزیکی حضور ندارند، اما قلب و روحشان همیشه در ایران است. تداوم برگزاری این مراسم را آرزوئدم و از صمیم قلب امیدوارم سال آینده این جشن زیبا به شکل حضوری، در فضای صمیمی و بدون واژه‌ام از شیوع بیماری برای همه ما فراهم باشد. دوستدار شما احمد پژمان». حسین علیزاده درباره این رویداد گفت: سال نوای برای من یک شناسنامه از موسیقی است و با اینکه عمر طولانی ندارم، اما به چنان جایگاهی رسیده‌که از نگاه من کمتر در موسیقی ایران سابقه داشته است. از سوی دیگر، تاکنون تشکله‌ها و مجموعه‌های زیادی درباره موسیقی اجرا شده، اما بنا بر شرایط ناکام مانده‌اند. اما به اعتقاد من سال نوایی از موفق‌ترین پروژه‌ها و رویداد‌های مستقل موسیقی است که هیچ چیزی در آن از جای دیگر دیکته نمی‌شود؛ چراکه هنرمندان به‌صورت خودجوش و با دل و وجودشان به آن وارد می‌شوند. او افزود: این رویداد به‌معنای واقعی کلمه توانسته فراهم‌کننده مؤثری برای اتحاد هنرمندان موسیقی باشد و امروز وقتی از علی جعفری‌پویان پرسیدم آیا کسی هست که مخالف کارهای شما باشد و او پاسخ منفی داد، بسیار خوشحال شدم. شرایطی که همیشه من روی آن در مجموعه‌های مختلفی همچون خاندن موسیقی تأکید داشته‌م و به آنها می‌گفتم کاش فقط اداری حرف نزنیم و به موسیقی بپردازیم. این نوازنده و آهنگ‌ساز گفت: من علی جعفری‌پویان را از زمانی که مدیریت هنرستان موسیقی را بر عهده داشتم، می‌شناسم. علی شاگرد خوبی بود و حالا او و هم‌سلاشش کارهایی را که ما بلد نبودیم، بهتر از ما انجام می‌دهند. در واقع امروز آثار ما هستند که توانسته‌اند با یک حرف توان، زبان سبزی را شروع کنند. چرا همیشه از موسیقی‌دان‌ها این سؤال می‌شود که شما از مسئولان چه انتظاری دارید؟ من در جواب می‌گویم اگر موسیقی‌دان‌ها به کار خود ایمان داشته باشند، قطعا به موفقیت دست پیدا می‌کنند، ضمن اینکه آن چیزی که در این چارچوب می‌تواند مورد توجه باشد، پشتیبانی مردم فهیمی است که موسیقی را درک و از آن حمایت می‌کنند. قطعا موسیقی ایرانی در این سال‌ها مدیون همه مردم است که گروه اجرایی سال نوام از دل همین مردم حسین دلشوی و اسناد هوشنگ طریف هم می‌گفت: من، افتخار داشتم در زمان تحصیل در هنرستان موسیقی، خدمت این دو استاد باشم و باید بگویم نام و یاد این دو هنرمند به‌دلیل خدمات درخور توجهی که در عرصه موسیقی داشتند، در خاطر من و بسیاری از هم‌سلازمان باقی مانده است؛ چراکه این دو عزیز فقط به ما موسیقی یاد دادند.